



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۳۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: مصطفی ده باشی

مقدمه

رکن نخست استصحاب _ که یقین به حدوث بود _ به طور مفصل^۱ مورد بررسی قرار گرفت و بر طبق دیدگاه شهید صدر، نتیجه گرفته شد که با اماره بر حدوث نمی توان استصحاب را جاری نمود اما برای حلّ مشکل، استصحاب جایگزین را مطرح نمود. در این درس، رکن دوم استصحاب، یعنی شک در بقاء، و آثار مترتب بر آن بیان خواهد شد. آشنایی با مباحث مربوط به استصحاب فرد مردّ د و تفاوت قاعده یقین، با استصحاب از اهداف مورد انتظار این درس است. برای فهم بهتر مباحث قسم دوم از استصحاب کلّی، می توانید به حلقه ثانیه شهید صدر، درس ۵۴ مراجعه نمایید.

متن درس

ب) الشك في البقاء

و الشك في البقاء هو الركن الثاني، و ذلك لأخذه في لسان أدلة الاستصحاب، و قد يقال: ان ركنيته ضرورية بلا حاجة إلى أخذه في لسان الأدلة، لان الاستصحاب حكم ظاهري و الحكم الظاهري متقوم بالشك، فان فرض الشك في الحدوث كان مورد قاعدة اليقين، فلا بد إذن من فرض الشك في البقاء.

و لكن سيظهر ان ركنية الشك في البقاء بعنوانه لها آثار إضافية لاتثبت بالبرهان المذكور بل بأخذه في لسان الأدلة فانتظر.

و تنفرع على ركنية الشك في البقاء قضيتان :

الأولى: ان الاستصحاب لايجرى في الفرد المردّد، و نقصد بالفرد المردّد، حالة القسم الثاني من استصحاب الكلّي، كما إذا علمنا بوجود جامع الإنسان في المسجد و هو مردّد بين زيد و خالد و نشكّ في بقاء هذا الجامع لانّ زيداً نراه الآن خارج المسجد، فإن كان هو المحقق للجامع حدوثاً فقد ارتفع الجامع، و إن كان خالد هو المحقق للجامع فلعلّه لايزال باقياً . و في مثل ذلك يجرى استصحاب الجامع إذا كان لوجود الجامع أثر شرعي . و يسمّى بالقسم الثاني من استصحاب الكلّي كما تقدّم في الحلقة السابقة، و لا يجرى استصحاب بقاء زيد ولااستصحاب بقاء خالد بلاشك.

رکن دوم استصحاب: شک در بقاء

رکن اول استصحاب که یقین به حدوث بود در درس‌های گذشته توضیح داده شد. درباره این که چرا شک در بقاء، رکن استصحاب محسوب می‌گردد اختلاف وجود دارد. گروهی به ظاهر دلیل استصحاب که در آن، لفظ شک اخذ شده است استدلال می‌کنند و می‌گویند: این شک، شک در بقای چیزی است که به حدوث آن یقین داریم. گروهی دیگر، رکن بودن شک در بقاء را با استدلالی عقلی ثابت می‌کنند و می‌گویند: استصحاب، حکم ظاهری است و قوام هر حکم ظاهری به شک مکلف است پس قوام استصحاب به شک است.

تفاوت قاعده یقین با استصحاب: با وجود این که رکن نخست قاعده یقین و استصحاب، یقین به حدوث است اما رکن دوم قاعده یقین، شک در حدوث است و رکن دوم استصحاب، شک در بقاء می‌باشد.

سؤال: فایده اختلاف در چگونگی رکن بودن شک در بقاء چیست؟

جواب: شهید صدر معتقد است که اگر رکن بودن شک در بقاء از طریق ادله استصحاب به دست آوریم، آثاری بر آن مترتب خواهد شد که در صورت استدلال عقلی، ثابت نخواهد بود.

متن عربی و نکات تطبیقی

(ب) الشکّ فی البقاء. و الشکّ فی البقاء هو الرکن الثانی، و ذلک لأخذه (۱) فی لسان أدلة الاستصحاب، و قد یقال: إنّ رکنیّه ضروریة بلا حاجة إلی أخذه فی لسان الأدلة، لأنّ الاستصحاب حکم ظاهری و الحکم الظاهری متقوم بالشکّ، فان فرض الشکّ فی الحدوث کان مورد قاعدة یقین، فلا بدّ إذن من فرض الشکّ فی البقاء. و لكن سیظهر أنّ رکنیّه الشکّ فی البقاء بعنوانه لها (۲) آثار إضافية لاتثبت بالبرهان المذكور بل بأخذه فی لسان الأدلة فانتظر.

۱. مرجع ضمیر: شک در بقاء.

۲. مرجع ضمیر: رکنیت.

Sc01: ۰۸:۲۶

رکن دوم استصحاب: شک در بقاء (ادامه مباحث)

آثاری که بر رکنیت شک در بقاء مترتب می‌شوند:

نکته: ترتیب و تفویع این امور مبتنی بر این است که شک در بقاء از طریق ادله استصحاب به دست آمده باشد، نه از طریق استدلال عقلی.

الف) عدم جریان استصحاب فرد مردّد: مثال برای فرد مردّد که مجرای قسم دوم از استصحاب کلّی است: می‌دانیم فردی داخل در مسجد شد که این فرد یا زید است و یا خالد. اگر زید باشد، معلوم الارتفاع است چون او را خارج از مسجد دیده ایم و اگر خالد باشد، مشکوک البقاء است، چون احتمال می‌دهیم هم چنان در مسجد مانده باشد. بنابراین ما به حدوث کلّی و عنوان جامع انسان در مسجد، علم داریم که این عنوان کلّی بر زید و خالد قابل انطباق است. اگر این «انسان» خالد بوده باشد شک در بقاء او وجود دارد و ادعا می‌کنیم که شک در بقاء کلّی انسان

داریم و یقین به حدوث انسان در مسجد هم داریم ، پس ارکان استصحاب تمام است . در این جا دو حالت قابل تصور است:

الف) اثر شرعی بر خصوص جامع و عنوان کلّی مترتب باشد؛ مثل این که نذر کرده ایم اگر انسانی در مسجد باشد دو درهم صدقه بدهیم. در این صورت نذر روی عنوان انسان رفته است و استصحاب کلّی جاری خواهد بود؛ یعنی استصحاب می کنیم وجود انسان را در مسجد که این استصحاب، قسم دوم استصحاب کلّی است.

متن عربی و نکات تطبیقی

و تفرع علی رکنی الشکّ فی البقاء قضیتان: الأولى: انّ الاستصحاب لا یجری فی الفرد المرّد، و نقصد بالفرد المرّد، حالة (۱) القسم الثانی من استصحاب الكلّی، كما إذا علمنا بوجود جامع (۲) الإنسان فی المسجد و هو (۳) مرّد بین زید و خالد و نشکّ فی بقاء هذا الجامع لا نّ زیداً نراه الآن خارج المسجد، فإن كان هو (۴) المحقق للجامع حدوثاً فقد ارتفع الجامع، و إن كان خالد هو المحقق للجامع فلعلّه (۵) لا يزال باقیاً. و فی مثل ذلك (۶) یجری استصحاب الجامع إذا كان لوجود الجامع أثر شرعی. و یسمی بالقسم الثانی من استصحاب الكلّی كما تقدّم فی الحلقة السابقة.

۱. یعنی: مجرای استصحاب قسم دوم از استصحاب کلّی.

۲. یعنی: کلّی انسان.

۳. مرجع ضمیر: انسان.

۴. مرجع ضمیر: زید.

۵. مرجع ضمیر: جامع.

۶. مشارالیه: محقق شدن کلّی در ضمن فرد معلوم الارتفاع یا فرد مشکوک البقاء.

نکته: در قسم دوم از استصحاب کلّی، یکی از حالات آن این است که تفاوتی بین یقین به بقاء خالد در مسجد و شک به بقاء او در مسجد وجود ندارد ؛ یعنی حتی می توانیم بگوییم، اگر انسان در ضمن خالد محقق شده باشد قطعاً درون مسجد است؛ اما شهید صدر در مطالب بالا حالتی را قصد کرده که بقاء خالد در مسجد، مشکوک باشد، نه معلوم.

SCO۲:۲۱:۲۰

رکن دوم استصحاب: شک در بقاء (ادامه مباحث)

آثاری که بر رکنیت شک در بقاء مترتب می شوند: گفته شد که استصحاب فرد مرّد جاری نمی شود و تنها نسبت به عنوان کلّی انسان، ارکان استصحاب تمام بود و در فرض اول که مترتب شدن اثر شرعی بر خصوص عنوان کلّی بود، استصحاب کلّی جاری شد و اثر شرعی مترتب گردید.

ب) موضوع اثر شرعی، عنوان کلّی و جامع نباشد؛ بلکه خصوص فرد بما هو فرد باشد. مانند این که نذر کرده ایم اگر زید در مسجد بود دو درهم صدقه بدهیم و اگر خالد در مسجد بود نیز دو درهم صدقه بدهیم. در این صورت وجوب تصدّق بر خصوص زید بما هو زید و یا خالد بما هو خالد مترتب شده است ، نه به عنوان اینکه انسان

باشد. استصحاب وجود زید ممکن نیست چون معلوم الارتفاع است و شکی در بقاء او نداریم؛ هم چنین نسبت به وجود او شک در حدوث داریم نه یقین. پس هر دو رکن استصحاب، مختل است. در مورد خالد نیز رکن اول، مختل است، چون یقین به حدوث خالد در مسجد نداریم. بنابراین استصحاب فرد بما هو فرد جاری نمی شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و لا یجری استصحاب بقاء زید ولا استصحاب بقاء خالد بلا شک. (۱)

۱. در صورتی که اثر شرعی بر خصوص زید و یا خصوص خالد مترتب باشد.

Scor: ۲۵:۰۹

چکیده

۱. اثبات رکن بودن شک در بقاء، طبق نظر برخی از اصولیون، از طریق ظاهر دلیل استصحاب است و طبق نظر برخی دیگر بر اساس برهان عقلی است.
۲. رکن قاعده یقین، شک در حدوث است، اما رکن استصحاب، شک در بقاء.
۳. ترتب آثار بر رکنیت شک در بقاء در صورتی است که این رکن را از طریق ادلّه استصحاب به دست آورده باشیم.
۴. اگر اثر شرعی بر عنوان کلّی و جامع، مترتب شده باشد، عنوان کلّی، استصحاب و اثر مترتب می گردد.
۵. اگر موضوع اثر شرعی، خصوص فرد بما هو فرد باشد به دلیل اختلال در ارکان استصحاب، نمی توان اثر شرعی را از طریق استصحاب، مترتب نمود.